

رابطه ی سبک اسناد و انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی

دکتر محمد رضا تمنایی فر^۱

مزگان بشری^۲

سمیه دشتبان زاده^۳

چکیده:

پیشرفت تحصیلی در گرو عوامل بی‌شماری است که می‌توان آنها را در دو مقوله کلی، عوامل مربوط به «تفاوت‌های فردی» و عوامل مربوط به «دانشگاه و نظام آموزشی» بررسی نمود. «تفاوت‌های فردی» به ویژگی‌های شخصیتی از جمله انگیزش و سبک اسناد اشاره دارد. این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین سبک اسناد، انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام گرفته است. نمونه پژوهش شامل ۴۰۰ دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی شهر قم بود که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک اسناد (ASQ)، پرسشنامه

۱- استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه کاشان .

Email: Tamannai@kashanu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی .

Email: Mojganbashari@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی.

Email: Dashtban62@yahoo.com

انگیزش پیشرفت هرمند و از معدل کل دانشجویان برای سنجش معیار پیشرفت تحصیلی استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های پژوهش از شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بین سبک اسناد و مؤلفه‌های آن با پیشرفت تحصیلی و انگیزش پیشرفت همبستگی معنی دار وجود ندارد. اما بین انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی همبستگی معنی داری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین پسران و دختران از نظر سبک اسناد تفاوت معنی داری وجود دارد اما بین پسران و دختران از نظر انگیزش پیشرفت تفاوت معنی داری وجود ندارد. واژه‌های کلیدی: انگیزش پیشرفت؛ سبک اسناد؛ پیشرفت تحصیلی؛ دانشجویان

مقدمه

توجه روز افزون به نقش با اهمیت متغیرهای شناختی و غیرشناختی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، زمینه ساز انجام تحقیقات زیادی شده است. در این تحقیق سعی بر این است تا رابطه بین سبک اسنادی (Attributive Style) به عنوان یک متغیر شناختی و انگیزش پیشرفت (Achievement Motivation) به عنوان یک متغیر غیر شناختی و یا یک رگه شخصیتی با پیشرفت تحصیلی مورد مطالعه قرار گیرد.

از مفهوم سبک اسناد برای مشخص کردن انواع تئینهایی استفاده می‌شود که افراد معمولاً در مواجهه با یک رویداد به کار می‌گیرند (برینجز، ۲۰۰۱). عوامل علی رفتار را اسناد می‌گویند و بر این اساس، رفتار دیگران را به عوامل یا ویژگیهای شخصیتی پایدار (به اصطلاح عوامل غیر موقعیتی) و یا جنبه‌هایی از موقعیت اجتماعی آنان اسناد می‌دهند (پتری، ۱۹۹۶).

سبک اسناد دارای استلزام‌های مهمی در بخش‌های متفاوتی از زندگی روزانه است و با افسردگی (ولپی و لوین، ۱۹۹۸)، عملکرد ورزشی (سلیگمن، نولن-هوسما، تورنتون و تورنتون، ۱۹۹۰)، سلامت جسمانی (دوا، ۱۹۹۵)، سلامت روانشناختی (هیرشی و موریس، ۲۰۰۲)، عملکرد افراد در زمینه‌های حرفه‌ای (کر و گری، ۱۹۹۵) و عملکرد در قلمرو آموزش و پرورش (بریجز، ۲۰۰۱)؛ گاما، جسوس و میرلس، ۱۹۹۱) مرتبط است.

در حوزه آموزشی دانش جویان، بسته به سبک اسناد که به آن اعتقاد دارند، پیشرفت تحصیلی خود را به عوامل مختلفی از جمله توانایی، سعی و کوشش، سطح دشواری تکلیف، بخت و اقبال و ... نسبت می‌دهند که همین امر به نوبه خود، انتظارات متفاوتی را در آنان ایجاد کرده و منجر به انگیزه‌های متفاوتی در آنان می‌شود. بنابراین اسناد هم به علت اثرات خود و هم به علت عواطفی که ایجاد می‌کنند از اهمیت خاصی برخوردارند و می‌توانند بر بسیاری از عوامل دیگر از جمله میزان انگیزه

فرد برای پیشرفت و نیز عملکرد تحصیلی او اثر گذار باشند. مفهوم اسناد یکی از موضوعات محوری و مهم روانشناسی است و هدف آن روشن کردن این نکته است که ما در تلاش خود برای توجیه رفتارها از چه قواعدی استفاده کرده و چه خطاهایی را مرتکب می‌شویم (هیلگارد، ۱۳۸۵) قابل ذکر است که انسان‌ها همیشه برای توجیه پیامد رفتارهای خود به تحلیل روابط علت و معلولی نمی‌پردازند. در واقع، بسیاری از رویدادها که قابل پیش‌بینی هستند معمولاً نیازی به اسناد ندارند. زیرا موفقیت و شکست مورد انتظار، پیامدهایی پیش‌بینی شده هستند، اما ناهمخوانی پیامدهای مورد انتظار با پیامدهای واقعی موجب حالت ناخوش‌آیند تردید و دودلی می‌شود که مردم به کمک مکانیزم اسناد برای رفع آن تلاش می‌کند.

نکته حایز اهمیت دیگر، نقش مهم انگیزش پیشرفت به عنوان یک رگه شخصیتی و یک عامل موثر بر پیشرفت تحصیلی است. به طور کلی انگیزش پیشرفت، تمایل به تلاش جهت دستیابی به موفقیت و اثرات مثبت مرتبط با آن و اجتناب از شکست و اثرات منفی مرتبط با آن را منعکس می‌کند (بوساتو، پرینس، ال شات و همیگر، ۲۰۰۰) و به عنوان یک پیش‌بینی کننده مهم برای عملکرد شناختی از جمله پیشرفت تحصیلی مورد توجه قرار می‌گیرد (اتکینسونو فیدر، ۱۹۶۴)

نیاز به پیشرفت یکی از نخستین انگیزه‌هایی است که به تفصیل مورد مطالعه قرار گرفته است (مک کلند، اتکینسون، کلارک، لاول، ۱۹۵۳). پژوهش درباره‌ی این انگیزه امروزه نیز ادامه دارد (اسپنس، ۱۹۸۳). افرادی که نیاز به پیشرفت در آنها نیرومند است، می‌خواهند کامل شوند و عملکرد خود را بهبود بخشند. آنان وظیفه شناسند و ترجیح می‌دهند کارهایی را انجام بدهند که چالش برانگیز باشد و به کاری دست بزنند که ارزیابی پیشرفت آنان به نحوی، خواه با مقایسه آن با پیشرفت سایر مردم یا بر حسب ملاکهای دیگر امکان پذیر باشد. به بیان رسمی‌تر، پیشرفت رفتاری مبتنی بر وظیفه است که اجازه می‌دهد عملکرد فرد طبق ملاکهای وضع شده درونی یا بیرونی مورد ارزیابی قرار گیرد که در برگیرنده فرد در مقایسه با دیگران است یا به نحو دیگری در بر گیرنده، نوعی ملاکهای عالی است (اسمیت، ۱۹۶۹ اسپنس و هلم رایش، ۱۹۸۳). انگیزش پیشرفت را در بسیاری از حوزه‌های فعالیت مانند شغل، مدرسه، هنرهای خانگی یا مسابقات ورزشی و قهرمانی می‌توان مشاهده کرد.

مطالعه‌های انجام شده درباره انگیزش پیشرفت مبین این نکته اند که وقتی نیاز به پیشرفت در دانش آموزان بیشتر است، عملکرد آنها بهتر می‌شود. (باردویل و براکسما، ۱۹۸۵، باتلیز و وارتر، ۱۹۷۳).

همچنین پژوهشگرانی مانند پتری (۱۹۹۶) نشان داده اند که انگیزه بالای پیشرفت با تمایل به دستیابی به علل موفقیت و اسناد توانایی به خود و انگیزه پایین پیشرفت با اسناد عدم موفقیت به تکلیف یا شانس و ناتوانی به خود همراه است.

فرضیه ها

هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین سبک اسناد و انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی است. بدین منظور، فرضیه‌های زیر مطرح شدند:

- بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین انگیزش پیشرفت و سبک اسناد دانشجویان رابطه وجود دارد.
- بین پسران و دختران از نظر سبک اسناد تفاوت معنی داری وجود دارد.
- بین پسران و دختران از نظر انگیزش پیشرفت تفاوت معنی داری وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه، نمونه و ابزار پژوهش

پژوهش حاضر در رده تحقیقات زمینه یابی است. در عین حال، می‌توان آن را پژوهش همبستگی از نوع پیش بین هم محسوب کرد، زیرا هدف از آن پی بردن به تغییرات متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک یا پیشرفت تحصیلی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی شهر قم می‌باشد که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل هستند. در این پژوهش تعداد ۴۰۰ نفر (حجم نمونه براساس جدول مورگان) دانشجوی دختر و پسر به عنوان گروه نمونه به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه سبک اسناد سلیگمن، پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنده و برای سنجش پیشرفت تحصیلی هم از معدل افراد استفاده شده است.

الف: پرسشنامه سبک اسناد: این پرسشنامه یک ابزار خودگزارش دهی است و نخستین بار برای اندازه گیری اسنادهای افراد برای رویدادهای غیرقابل کنترل توسط پیترسون و سلیگمن (۱۹۸۴) ساخته شد. پرسشنامه سبک اسنادی در برگیرنده دوازده موقعیت فرضی (شش رویداد خوب و شش رویداد بد) است. برای هر رویداد چهار پرسش مطرح شده است. نخستین پرسش که درباره مهمترین علت این رویداد است، اگر چه در نمره گذاری به کار برده نمی شود اما ضروری است تا آزمودنی به

سه پرسش بعد بر حسب موارد زیر پاسخ دهد. این موارد شامل درونی یا بیرونی، پایدار یا ناپایدار و کلی یا اختصاصی بودن رویداد می‌باشد. نمره‌ها را می‌توان برای هر یک از سه بعد یاد شده در نظر گرفت (وولز، ۲۰۱۱). بریج (۲۰۰۱) برای پرسشنامه سبک اسناد ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸ را گزارش نموده است. اسلامی شهر بابکی (۱۳۶۹) طی پژوهشی با این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ را برای موقعیت شکست درونی ۰/۷۵، موقعیت شکست پایدار ۰/۴۳، موقعیت شکست کلی ۰/۷۳ و در موقعیت موفقیت درونی ۰/۷۴، موقعیت موفقیت پایدار ۰/۵۶ و موفقیت کلی ۰/۷۶ به دست آورد. سلیمانی نژاد (۱۳۸۱) آلفای کرونباخ برای کل پرسشهای پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کرد (موسوی اسلام دوست، غباری بناب، ۱۳۹۰).

ب: پرسشنامه انگیزش پیشرفت: این پرسشنامه توسط هوبرت هرمنند (Hubert J. M. Hermans) در سال ۱۹۷۰ بر مبنای یافته‌ها و مطالعات انگیزش پیشرفت و ویژگیها و خصوصیات آن تهیه شده است و شامل ۲۹ جمله ناقص است که به دنبال هر جمله ناتمام گزینه‌های تکمیل کننده آن ارائه شده است. به هر پاسخ نمره‌ای بین ۱ تا ۴ داده می‌شود که نمره بالا نماینده وجود انگیزه پیشرفت بالا و نمره پایین نماینده انگیزه پیشرفت پایین در فرد است. هرمنند در سال ۱۹۷۰ برای محاسبه پایایی از روش آزمون مجدد و آزمون آلفای کرونباخ استفاده نمود. ضرایب پایایی بر اساس آلفای کرونباخ را ۰/۸۴ و بعد از گذشت سه هفته آزمون مجدد معادل ۰/۸۲ به دست آورد. هرمنند برای محاسبه روایی از اعتبار یابی محتوا که اساس آن را پژوهش‌های قبلی درباره انگیزش پیشرفت تشکیل می‌داد، استفاده کرد و همچنین او ضریب همبستگی هر سوال را با رفتارهای پیشرفت گرا محاسبه کرده است. ضرایب به ترتیب سوالات پرسشنامه از دامنه ۰/۵۷ تا ۰/۳۰ می‌باشد (فرهوش احمدی، ۱۳۹۲).

ج: برای اندازه گیری پیشرفت تحصیلی نیز از شاخص معدل استفاده گردیده است.

یافته ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و استنباطی (ضریب همبستگی، آزمون t) با استفاده از نرم افزار (۱۶) spss استفاده شد. جدول ۱، میانگین‌ها و انحرافات معیار متغیرهای سبک اسناد، انگیزش پیشرفت در نمونه کل و بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک اسناد، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان در نمونه کل و بر حسب جنسیت

دختر			پسر			نمونه کل			آماره ها متغیرها
انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	انحراف معیار	میانگین	تعداد	
۱۹/۳۹۷	۲۶/۶۲	۲۰۰	۱۷/۵۲	۱۹/۷۱	۲۰۰	۱۸/۶۴۷	۲۲/۶۸	۴۰۰	نمره کلی اسناد
۷/۸۲۳	۸۵/۰۳	۲۰۰	۷/۵۶۱	۸۴/۰۹	۲۰۰	۷/۶۷۹	۸۴/۵۰	۴۰۰	انگیزش پیشرفت
۱/۰۹	۱۴/۷۳	۲۰۰	۱/۰۹	۱۴/۶۵	۲۰۰	۱/۰۹	۱۴/۶۹	۴۰۰	پیشرفت تحصیلی

همانطور که جدول یک نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک اسناد، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی در نمونه کل به ترتیب ۲۲/۶۸، ۱۸/۶۴ و ۱۴/۵۰، ۷/۶۷ و ۱۴/۶۹، ۱/۰۹ می‌باشد. همچنین یافته‌های جدول نشان می‌دهد که میانگین و انحراف معیار متغیرهای سبک اسناد، انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی برای دانشجویان دختر به ترتیب ۲۶/۶۲، ۱۹/۳۹ و ۷/۸۲، ۸۵/۰۳، ۱/۰۹ و برای دانشجویان پسر به ترتیب ۱۹/۷۱، ۱۷/۵۲ و ۷/۵۶، ۸۴/۰۹، ۱/۰۹ می‌باشد. به منظور آزمون فرضیه‌های ۱ تا ۳ از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی پیشرفت تحصیلی، انگیزش پیشرفت و سبک اسناد

متغیر	پیشرفت تحصیلی	انگیزش پیشرفت	سبک اسناد
پیشرفت تحصیلی	۱		
انگیزش پیشرفت	* ۰/۷۹۸	۱	
سبک اسناد	۰/۰۳۵	۰/۰۵۳	۱

* $P < ۰/۰۱$

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود همبستگی سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی $r = ۰/۰۳۵$ ، همبستگی انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی $r = ۰/۷۹۸$ و همبستگی سبک اسناد و انگیزش پیشرفت $r = ۰/۰۵۳$ می‌باشد. داده‌ها نشان می‌دهد که، بین سبک اسناد با پیشرفت تحصیلی

رابطه معنی داری وجود ندارد. اما بین انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی رابطه معنادار وجود دارد. به منظور آزمون فرضیه‌های ۴ و ۵ از آزمون t استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون t دانشجویان دختر و پسر در متغیرهای سبک اسناد و انگیزش پیشرفت

شاخص‌های آماری	دختر		پسر		مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار			
سبک اسناد	۲۶/۶۲	۱/۴۷	۱۹/۷۱	۱/۱۶	-۳/۷۲۶	۳۹۸	۰/۰۰۰
انگیزش پیشرفت	۸۵/۰۳	۷/۸۲	۸۴/۰۹	۷/۵۶	-۱/۲۲۲	۳۹۸	۰/۲۲۲

همان گونه که در جدول مشاهده می‌شود بین دانشجویان دختر و پسر از نظر میزان سبک‌اسناد تفاوت معنی داری وجود دارد به این صورت که میانگین سبک اسناد دختران بالاتر از پسران می‌باشد. اما بین دختران و پسران از نظر میزان انگیزش پیشرفت تفاوت معنی دار وجود ندارد. بر این اساس می‌توان گفت که فرضیه ۴ تحقیق تأیید می‌شود و فرضیه ۵ تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه گیری

اینکه چه عواملی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر می‌گذارد، همواره از حیطه‌های مورد علاقه ی متخصصان تعلیم و تربیت و روان‌شناسان تربیتی بوده است. مطمئناً مجموعه‌ای از عوامل فردی، محیطی یا عوامل شناختی و غیر شناختی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان تأثیر می‌گذارد. البته در هیچ پژوهشی امکان جمع آوری و تحلیل همه این متغیرها در کنار هم وجود ندارد. متغیر پیشرفت تحصیلی چند بعدی است و از عوامل متعدد و بیشماری تأثیر می‌پذیرد. گسترش پژوهش‌ها و یافته‌های حاصل از آن‌ها در سطح آموزش عالی، هر گونه تفکر مبتنی بر ساده‌انگاری برای تبیین پیشرفت تحصیلی را نفی می‌کند.

در پژوهش حاضر هدف آن بوده است که رابطه سبک اسناد و انگیزش پیشرفت با پیشرفت تحصیلی بررسی شود. و دانشجویان دختر و پسر از نظر متغیرهای مورد نظر مقایسه گردند. آزمون فرضیه اول (بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد). نشان داد که بین متغیر پیشرفت تحصیلی و سبک اسناد در هر دو جنس همبستگی معنی دار وجود ندارد. نتایج

این تحقیق با تحقیقات کاسنجان (۱۹۹۶) شکر کن و همکاران (۱۳۷۳) ذکایی (۱۳۷۸) زارعی (۱۳۸۰) همخوان است. اما با تحقیقات واینر (۱۹۸۵) بنگز (۱۹۹۵) اندرسون و همکاران (۱۹۹۴) اتکینز (۱۹۹۷) تالیولی و گاما (۱۹۸۶) مارش (۱۹۸۳) و چاس (۲۰۰۱) ناهمخوان است. این امر از زوایای زیر قابل تبیین است: بنا به نتایج تحقیق وایت لی و فریز (۱۹۸۵) نقل از گیج و برلاینر، (۱۳۷۴) کودکان و بزرگسالان معمولاً یک نظام اسناد خودخواهانه را انتخاب می‌کنند، یعنی آنها به طور معمول موفقیت را به عوامل درونی (تلاش و توانایی) و شکست را به عوامل بیرونی (دشواری تکلیف و شانس) اسناد می‌دهند و به این ترتیب از پیامدهای مخرب آن اجتناب می‌کنند. همچنین دانش آموزان، علل موفقیت تحصیلی خود را به عوامل درونی از قبیل توانایی و تلاش اسناد می‌دهند و از این طریق احساس ارزشمندی و غرور می‌کنند. شاید یکی از دلایل عدم ارتباط بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی این باشد که دانشجویان از یک سبک اسناد واقع بینانه استفاده نمی‌کنند، بلکه بدون توجه به عملکرد واقعی خود از یک سبک اسناد استفاده می‌کنند که به احساس ارزشمندی آنان کمک کند. یکی دیگر از دلایل احتمالی عدم رابطه بین سبک اسناد با پیشرفت تحصیلی در هر دو جنس این است که احتمالاً سبک اسناد دانشجویان، از طرف استادان به آنها القا می‌شود. به این صورت که آنان در مورد دانشجویان افکار و باورهایی دارند که گاهی اوقات با واقعیت فاصله دارند. به عبارتی خود آرمانی یا ایده آلی را به آنها القا می‌کنند و نه خود واقعی را. چنانچه دانشجویان خود به جستجو و اکتشاف وضعیت خود و از جمله اسنادهای خود به درستی بپردازند. این احتمال وجود دارد که القائات بیرونی را همانگونه که در هویت زودرس (مارسیا، ۱۹۶۶) مشاهده می‌شود بپذیرند. این امر می‌تواند در دستیابی بر شکل گیری اسنادهای واقع بینانه دانشجویان اثر گذارد. بنابراین، این دانشجویان موفقیتها و شکستهای خود را بر اساس یک سبک اسناد غیر واقع بینانه، مصنوعی و القا شده از طرف استادان، تفسیر می‌کنند. همچنین ممکن است دانشجویان با توجه به نیازی که به حفظ احساس ارزشمند بودن می‌کنند، جواب دقیق و واقع بینانه‌ای به پرسشنامه سبکهای اسناد نداده باشند. ممکن است یکی دیگر از دلایل عدم رابطه بین سبک اسناد (به ویژه برای حوادث خوب) و پیشرفت تحصیلی، وجود تفاوت‌های فرهنگی باشد؛ به این صورت که مثلاً در فرهنگ ایرانیان، اصولاً نسبت دادن موفقیتها به خود، مذموم تلقی می‌شود و به همین جهت در این زمینه نیز اسنادها بیشتر، بیرونی است تا درونی؛ برای مثال در یک تحقیق (کریمی، ۱۳۷۶) دانشجویان موفق، غالباً موفقیت خود را مرهون لطف خداوند و کمک استادان و عواملی چون ضعیف بودن همکلاسیها در دروس و در وهله آخر به کوشش و تلاش خود اسناد دادند. در این مورد، تفاوتی میان دو جنس مشاهده نشد (کریمی، ۱۳۷۶). یکی دیگر از دلایل احتمالی عدم رابطه بین سبک اسناد و پیشرفت تحصیلی در این تحقیق ممکن است به این علت باشد

که سبک اسناد دانشجویان در زمان اجرای پرسشنامه به دست آمد اما نمرات پیشرفت تحصیلی، مربوط به ترمهای قبل از اجرای پرسشنامه بود و این احتمال وجود دارد که در این مدت، سبک اسناد دانشجویان بنا به علل مختلف تغییر یافته باشد.

آزمون فرضیه دوم (بین انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه وجود دارد.) نشان داد که بین انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی رابطه معنی دار مشاهده شد. این نتایج با یافته‌های ولرند و همکاران (۱۹۹۲) فورتیر و همکاران (۱۹۹۵) منطقی تبار (۱۳۷۳) حسن زاده دیزج (۱۳۷۳) هیبت الهی (۱۳۷۳) توکلی (۱۳۷۳) زارعی (۱۳۸۰) و چاپمن و بورسما (۱۹۸۳) مارش، اسمیت و بارنز، (۱۹۸۵؛ به نقل از فراهانی، ۱۹۹۴) هماهنگ می‌باشد. یافته فوق را می‌توان به این صورت مورد تبیین قرار داد که دانشجویان، مسئولیتهای خود را در تمام زمینه‌ها در خانواده و در مدرسه یاد می‌گیرند و این مسئولیتهای را به محیط دانشگاه تسری می‌دهند و در مقابل این مسئولیتهای مورد ارزشیابی و قضاوت قرار می‌گیرند و در نتیجه به تدریج یک خود پنداره در آنان شکل می‌گیرد. این خود پنداره بعد از مدتی آنچنان در ذهن آنها مستحکم می‌شود که بدون دریافت قضاوت از سوی دیگران نیز ارزشیابی می‌کنند و در واقع دانشجویان عملکرد خود را مورد ارزشیابی قرار می‌دهد و در مورد آنها قضاوت می‌کند. دانشجو مطابق با خود پنداره اش از خودش انتظار دارد یعنی بعضی از دانش جویان آشکارا از خود انتظارات پایین و برخی دیگر انتظارات بالا دارند، بنابراین برای حفظ این شناخت از خود تلاش هایشان را تنظیم می‌کنند (پوپ، ۱۹۸۸).

بنا به تعریفی که فلد رولند و گولد (۱۹۷۹؛ به نقل از ماسن و دیگران، ترجمه یاسایی، ۱۳۷۶) از انگیزه پیشرفت کرده‌اند (انگیزه پیشرفت عبارت است از گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است). می‌توان گفت که پیشرفت تحصیلی، تحت تأثیر و در تعامل با انگیزه پیشرفت می‌باشد، یعنی افرادی که دارای انگیزه پیشرفت بالایی می‌باشند، برای به دست آوردن موفقیت و پیشرفت تحصیلی تلاش می‌کنند؛ اما اگر انگیزه پیشرفت پایینی داشته باشند، خود را ناتوان حس نموده و دست از تلاش برمی دارند. اگر چه مطالعات بسیار زیاد مربوط به تفاوت‌های جنسی در پیشرفت تحصیلی نشان داده‌اند که پسران دارای پیشرفت تحصیلی بالاتری نسبت به دختران می‌باشند اما اخیراً مدارکی به دست آمده که نشان می‌دهد پیشرفت زنان در امتحانات مدرسه شروع به پیشی گرفتن از هم‌تایان مذکرشان نموده است (ویلکینگسون، ۱۹۹۴؛ به نقل از پاولین و دیگران، ۱۹۹۶). این امر نشان می‌دهد که برخی جابجا شدن نقش‌های قالبی در این الگوها در حال انجام است.

آزمون فرضیه سوم (بین انگیزه پیشرفت و سبک اسناد دانشجویان رابطه وجود دارد). نشان داد همبستگی معنی دار بین انگیزش پیشرفت و سبک اسناد و همچنین ابعاد سبک اسناد وجود ندارد. که یافته پژوهش حاضر در خصوص رابطه بین انگیزه پیشرفت با سبک اسناد برای حوادث خوب و بد در ابعاد درونی- بیرونی، کلی- اختصاصی و پایدار- ناپایدار، با نتایج واینر (۱۹۸۵) گاما و دی جوسوس (۱۹۹۱)، توکلی (۱۳۷۳) هماهنگ نیست. یکی از دلایل عدم وجود رابطه می‌تواند ناشی از این باشد که بنا به نظر جورج کلی (۱۹۶۷) به نقل از کریمی (۱۳۷۶) مردم یک گروه یا یک فرهنگ، گرایش به تعبیر وقایع به طور یکسان دارند. یکی دیگر از دلایل احتمالی که باعث عدم وجود رابطه بین متغیرها شده است می‌تواند ناشی از هنجار نبودن پرسشنامه سبک اسناد برای فرهنگ ایرانی باشد و دانشجویان ایرانی ممکن است نتوانسته باشند سوالاتی را که این ابعاد را برآورد می‌کنند به درستی درک نمایند. علاوه بر آن ممکن است دانشجویان ضمن درک سوالات، جوابها را در جهت خود واقعی ارائه نکرده باشند و بیشتر از زاویه خود آرمانی به پاسخ پرداخته باشند به عبارت دیگر در این مورد نمی‌توان عامل «خوشایندی اجتماعی» (desirability Social) را نادیده انگاشت. نکته دیگری که باید به آن توجه نمود این است که بنا به نظر ویگفایلد (۱۹۹۸)، به نقل از گلاور و برونینگ، ۱۹۹۰؛ ترجمه خرازی (۱۳۷۵) هم سن و هم تجربه موفقیت و شکست فرد در گذشته تأثیرات جدی بر سبک اسناد دانشجویان دارد و به طور کلی هر چه سن افزایش یابد دانشجویان از سبک اسناد واقع بینانه تری استفاده می‌کند. بنابراین این احتمال هست که دانشجویان این پژوهش به دلیل نداشتن سن و تجربه کافی از سبک اسناد واقع بینانه‌ای استفاده نکرده باشند و به اندازه کافی و لازم فکر نکرده و در نتیجه پاسخهای دقیق نیز ارائه نکرده باشند.

آزمون فرضیه چهارم (بین پسران و دختران از نظر سبک اسناد تفاوت معنی داری وجود دارد). نشان داد که از نظر سبک اسناد در نمره کل بین دو جنس تفاوت معنی داری وجود دارد. اما در رویدادهای منفی در بعد عمومی- اختصاصی و پایدار- ناپایدار بین دو جنس تفاوت معنی داری وجود دارد. تحقیقات گذشته، دلالت بر این دارد که دختران و پسران اسنادهای متفاوتی برای موفقیتها و شکستهای تحصیلی خود، خصوصاً در ریاضیات دارند. در واقع با مرور بیش از هفتاد پژوهش که الگوهای اسنادی را بررسی کرده‌اند، محققان نتیجه گرفتند که پسران نسبت به دختران، نگرشی مثبت‌تر به ریاضی دارند و اعتماد به نفس آنان در مورد توانایی ریاضیانشان، بالاتر از دختران است؛ بنابراین تعجب‌آور نیست که پسران به احتمال بیشتر، موفقیت خود را در ریاضی به توانایی نسبت می‌دهند و دختران به تلاش و شانس. از سال ۱۹۷۰ تاکنون به نظر می‌رسد که توافق عمومی معطوف به این امر است که زنان تمایل دارند موفقیت تحصیلی شان را به شانس نسبت دهند. اما مردان به

تواناییهای شخصی (ویان ۱۹۷۹؛ فریز و دیگران، ۱۹۸۲ به نقل از گلاسگو ۱۹۹۶). به طور خلاصه، ادعا شده که زنان در اسناد موفقیت‌هایشان بیشتر «بیرونی» هستند و مردان بیشتر «درونی». اما اخیراً مدارکی به دست آمده که نشان می‌دهد پیشرفت زنان هم در امور تحصیلی و هم در کار کردن به مردان نزدیک شده و حتی در برخی موارد از آنان پیشی گرفته است (ویلکینسون، ۱۹۹۴؛ به نقل از گلاسگو، ۱۹۹۶) و این تفاوت‌های جنسی در اسنادها، در حال کاهش و حتی وارونه شدن است (تابلور و دیگران، ۱۹۹۳ به نقل از گلاسگو، ۱۹۹۶). در کل محققان نتیجه گرفتند که نتوانسته‌اند تفاوت‌های معنی‌داری از نظر اسناد دادن در دو جنس پیدا کنند (کریمی، ۱۳۷۶). و نتایج در ارتباط با تفاوت‌های جنسی اسنادها نشان دادند که بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

آزمون فرضیه پنجم (بین پسران و دختران از نظر انگیزش پیشرفت تفاوت معنی‌داری وجود دارد). نشان داد که از نظر انگیزش پیشرفت بین دو جنس تفاوت معنی‌دار نیست. نتایج این تحقیق با تحقیقات گاما (۱۹۸۶)، الیزور، (۱۹۹۴) و مک کوبی و جک لین (۱۹۷۴) همخوان است. در مورد انگیزه پیشرفت تحقیقات نشان می‌دهد که تفاوت ساختاری اساسی در انگیزه پیشرفت بین دو جنس وجود ندارد (شهر آرای، ۱۳۷۵؛ گاما، ۱۹۸۶). در تحقیقی هم که در سال ۱۹۹۴ توسط الیور در مجارستان انجام شد مشخص گردید که هر چند مردان مجارستان نسبت به زنان بیشتر تمایل به پیشرفت داشتند اما ساختار اساسی انگیزه پیشرفت در زنان و مردان مشابه هم بود. این نتایج با نتایج تحقیق فعلی همسویی دارد و از این ایده حمایت می‌کند که تفاوت‌های جنسی در انگیزه پیشرفت، ریشه در فرایند اجتماعی شدن دارد تا تفاوت‌های اساسی بین زنان و مردان (الیزور، ۱۹۹۴). مک کله‌لند و همکاران نیاز به پیشرفت را به عنوان یک انگیزه اکتسابی برای رقابت و کوشش برای رسیدن به موفقیت در زمانی که رفتار فرد با معیارهای بسیار عالی، ارزیابی می‌شود، تعریف کرده‌اند. دانش‌جویانی که انگیزه پیشرفت تحصیلی بالا دارند، برای دستیابی به موفقیت انگیزه دارند، تکالیفی که انتخاب می‌کنند با دشواری متوسط است، دارای اعتماد به نفس هستند، مستقل هستند، با پشتکار و پیگیر هستند و شکست را نتیجه فقدان تلاش تلقی می‌کنند، اهداف طولانی مدت دارند، با اشتیاق و بلند پرواز هستند و از آنچه که انجام می‌دهند احساس غرور می‌کنند (جانسن ۱۹۹۳، به نقل از کدیور، ۱۳۷۹). دانشجویانی که دارای انگیزه پیشرفت تحصیلی بالا هستند، با توجه به معیارهایی که دارند عملکرد خودشان را ارزیابی می‌کنند. چنانچه برای رسیدن به موفقیت موانعی وجود داشته باشد، سعی می‌کنند با آن مشکل به صورت منطقی برخورد کنند. چنین دانش‌جویانی از اینکه با تلاش و کوشش و بهره‌گیری از استعدادهای خود به موفقیت می‌رسند، احساس غرور و شایستگی می‌کنند و این احساس پیامدهایی داشته و در یادگیری نقش یک مشوق را بازی می‌کنند، این وضعیت باعث می‌شود

که برای آینده خود برنامه ریزی بهتری داشته باشند. آنها اهداف مشکل اما دست یافتنی برای خود تشکیل می‌دهند و یک سبک اسناد مثبت تشکیل می‌دهند و به تواناییهای خود ایمان دارند، حتی اگر شکست بخورند، آن را به عدم تلاش نسبت می‌دهند و بنابراین احتمال اینکه در آینده موفقیت کسب کنند، زیاد می‌باشد. دانشجویان با انگیزه پیشرفت تحصیلی بالا در کارهایشان پشتکار و پیگیری از خود نشان می‌دهند.

پرسشنامه سبک اسناد (ASQ)، سبک اسناد کلی را می‌سنجد ولی از آنجا که مقیاس مناسبی برای اندازه‌گیری سبک اسناد تحصیلی وجود نداشت از این آزمون استفاده شد. معدل کل نمی‌تواند شاخص مطمئنی برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت تحصیلی باشد؛ ولی چون آزمون مناسبی برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت تحصیلی وجود نداشت به ناچار برای برآورد میزان پیشرفت تحصیلی از این شاخص استفاده شد. به نظر می‌رسد در صورت وجود یک آزمون استاندارد برای اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی، یافته‌ها از اطمینان بیشتری برخوردار خواهند بود.

پیشنهاد می‌شود در زمینه سبک اسناد تحقیقات موردی و طولی انجام شود تا ایجاد و تکامل سبک اسناد و همچنین نقش عوامل خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و ... در این زمینه مشخص می‌شود. این پژوهش بر روی گروههای سنی دیگر و با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی گوناگون انجام گیرد. تحقیقاتی همراه با دیگر متغیرها مثل خودپنداره، عزت نفس، خودکارایی همراه با متغیرهای پژوهش انجام گیرد. استادان با رفتار خود دانشجویان را تشویق به استفاده از سبک اسناد مطلوب نمایند. به این صورت که با دانشجویان ضعیف با دلسوزی برخورد نکنند و همچنین او را بیش از حد سرزنش نمایند چون این طرز رفتار باعث می‌شود که دانشجو تصور نماید توانایی او پایین و همچنین غیر قابل تغییر است. باید با دانشجویان ضعیف طوری برخورد نمود که آنان علت شکستهای خود را به عدم تلاش کافی نسبت دهند و بتوانند با افزایش تلاش در تحصیلات و زندگی به موفقیت دست یابند. استادان به دانشجویان در مورد موفقیت و شکست تحصیلی شان بازخورد صحیحی بدهند تا آنان در مورد خود و عملکردشان شناخت دقیق و واقع بینانه به دست آورند و از به وجود آمدن شناخت انحرافی و نادرست و در نتیجه ایجاد اسناد نادرست جلوگیری شود. با توجه به اینکه اکثر دانشجویان استادان را الگوی خود می‌دانند و رفتارهای آنان را زیر نظر دارند، استادان باید بدانند که تمام رفتارهای آنان برای دانشجویان، الگو می‌باشد و می‌تواند باعث شکل‌گیری اسناد متفاوت در دانشجویان شود. و در آخر به خود دانشجویان توصیه می‌شود در مورد توانایی‌های خود بینش واقع بینانه داشته باشند و از خود انتظارات بیش از حد و غیر واقعی و خارج از توان نداشته باشند.

منابع:

الف - فارسی:

۱. اتکینسون، ریتا، ال؛ اتکینسون، ریچارد، اس؛ اتکینسون، ارنست و هیلگارد (۱۹۸۰). زمینه روانشناسی، ج اول، ترجمه محمد نقی براهنی و همکاران (۱۳۷۴). تهران، انتشارات رشد.
۲. اسپالدینگ، چریل.ال. (۱۳۸۱). انگیزش در کلاس درس، ترجمه محمد رضا، نائینیان، اسماعیل، بیابانگرد، تهران، انتشارات مدرسه.
۳. افروز، غلامعلی (۱۳۸۱). چکیده‌ای از: روان شناسی تربیتی کاربردی. تهران، انجمن اولیاء مربیان.
۴. افشاری، مهرداد (۱۳۷۸). «بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با انگیزش پیشرفت و منبع کنترل در دانشگاه شاهد، سال سوم راهنمایی شهر تهران در سال ۷۹-۱۳۷۷»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. بال، سامویل (۱۳۷۳). انگیزش در آموزش و پرورش، ترجمه علی اصغر مسدد، انتشارات دانشگاه شیراز.
۶. بلوم، بنجامین (۱۳۷۴). ویژگیهای آدمی و یادگیری آموزشی، ترجمه علی اکبر، سیف، تهران، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
۷. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۰). «بررسی رابطه منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
۸. پارسا، محمد (۱۳۷۶). روانشناسی انگیزش و هیجان، تهران، انتشارات سخن.
۹. پارسا، محمد (۱۳۷۴). روانشناسی تربیتی، تهران، انتشارات علمی.
۱۰. تمنائی فر، محمد رضا؛ نیازی، محسن؛ امینی، محمد (۱۳۸۶). «بررسی مقایسه‌ای عوامل موثر بر افت تحصیلی دانشجویان مشروط و ممتاز»، دانشور رفتار، سال چهاردهم، شماره ۲۴، ص ۳۹ - ۵۲.
۱۱. تمنائی فر، محمد رضا (۱۳۷۰). «بررسی رابطه درماندگی آموخته شده و افسردگی در بیماران افسرده ۲۰ تا ۴۵ ساله بیمارستانهای روانی روزبه و شهید اسماعیلی و مقایسه آن با افراد غیر افسرده در دسترس تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

۱۲. توکلی ، اسدالله (۱۳۷۳). «بررسی رابطه انگیزش پیشرفت ، اسناد علی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر همدان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. حسن زاده ، رمضان(۱۳۷۳). «بررسی رابطه بین مفاهیم انگیزش (درونی-بیرونی) منبع کنترل(درونی- بیرونی) و پیشرفت تحصیلی پسران سال دوم دبیرستانهای شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
۱۴. دلاور ، علی(۱۳۷۴). روش تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی ، تهران، موسسه نشر ویرایش.
۱۵. ذکایی، رضا، (۱۳۷۸). «بررسی رابطه مفهوم خود (خودپنداره) و سبکهای اسناد با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر سال سوم رشته علوم تجربی دبیرستانهای دولتی شهر تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم .
۱۶. رجبی، بتول(۱۳۷۷). «بررسی رابطه بین سبکهای اسناد و عزت نفس در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۷. رشیدی، اسماعیل، شهر آرای ، مهرناز(۱۳۸۷). «بررسی رابطه خلاقیت با منبع کنترل»، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی ، شماره ۳، ص ۸۱-۹۹ .
۱۸. ریو ، جان مارشال ، (۱۹۸۹). انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی، سیدمحمدی ، (۱۳۷۶) تهران ، موسسه نشر ویرایش.
۱۹. زارعی، علی رضا، (۱۳۴۸). «رابطه بین سبکهای اسنادی و انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۴ ، ص ۱۰۳-۱۲۴.
۲۰. سلیمان نژاد، اکبر، شهر آرای، مهرناز (۱۳۸۰). «ارتباط منع کنترل و خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی»، مجله روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال سی و یکم، شماره ۲ ، ص ۱۹۸-۱۷۵.
۲۱. شکرکن، حسین، نجاریان ، بهمن ، جهانگیر، کرمی(۱۳۸۹). « بررسی رابطه بین سبک اسناد علی با پیامدهای روانی (عزت نفس ، ناامید، و افسردگی) و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پسر پیش‌دانشگاهی اهواز»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز .

۲۲. شلویری، گلرخ(۱۳۷۷). «بررسی ویژگیها و مکان کنترل مادر و فرزند با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه چهارم ابتدایی شهر تهران در سال ۷۶-۱۳۷۵»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم .
۲۳. شولتز، دوان (۱۳۸۴). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یوسف، کریمی، تهران، انتشارات ارسباران.
۲۴. شیخ فینی، علی(۱۳۷۲). «بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت، منبع کنترل و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر بندر عباس»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
۲۵. عصاره، علیرضا (۱۳۷۸). «پیشرفت تحصیلی، دغدغه خانواده‌ها»، پیوند، شماره ۲۴۲، ص ۳۷-۳۳.
۲۶. فرجی، ذبیح ا... (۱۳۷۵). *انگیزش و هیجان و واکنشهای روان تنی*، تهران، انتشارات میترا.
۲۷. فرهوش، معصومه؛ احمدی، مهرناز (۱۳۹۲). «رابطه سبک‌های تفکر و راهبردهای یادگیری با انگیزش پیشرفت»، روانشناسی تحولی، دوره ۹، شماره ۳۵، ص ۳۰۶-۲۹۷.
۲۸. کدیور، پروین(۱۳۷۹). *روانشناسی تربیتی*، تهران، انتشارات سمت.
۲۹. کریمی، یوسف(۱۳۷۳). «نظریه اسناد و کاربرد آن در آموزش»، نشریه پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت، سال اول، شماره ۱ و ۲، ص ۶۷-۸۴.
۳۰. کریمی، یوسف(۱۳۷۶). *روانشناسی اجتماعی نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*، تهران، مؤسسه نشر ویرایش.
۳۱. کیمیایی، سید علی، غریب، سمیه(۱۳۸۸). «رابطه بین راهبردهای یادگیری و سبک اسناد در دانش آموزان»، مجله علوم رفتاری، دوره ۳، شماره ۲، ص ۹۹-۱۰۴.
۳۲. گیج و برلایندر(۱۹۸۵). *روانشناسی تربیتی*، ترجمه غلامرضا، خویی نژاد، (۱۳۷۴). مشهد، انتشارات فردوسی.
۳۳. مارشال ریو(۱۳۷۶). *انگیزش و هیجان*، ترجمه سید محمودی، تهران، مؤسسه نشر ویرایش.
۳۴. مازلو، ا.ا.ج(۱۳۷۵). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد، رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۵. ماشینی، جمیله (۱۳۷۰). «عوامل موثر در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۵، ص ۱۰۴-۹۲.

۳۶. موسوی ، سید ولی الله ؛ اسلام دوست ، فاطمه ؛ غباری بناب ، باقر (۱۳۹۰). «بررسی بین سبک‌های اسناد و گرایش مذهبی دانشجویان»، مطالعات آموزش و یادگیری ، دوره ۳ ، شماره ۲ ، ص ۸۵-۱۰۱.

۳۷. هومن، حیدرعلی، و عسگری، علی (۱۳۷۹). «تهیه و استاندارد کردن آزمون انگیزه پیشرفت»، فصلنامه پژوهش‌های روانشناختی، دوره ۱۱، ص ۹-۳۲.

۳۸. هیبت‌اللهی، محمد (۱۳۷۳). «بررسی سبک اسناد دانش آموزان با توجه به شکست و موفقیت تحصیلی و جنسیت بر اساس مدل اسنادی درماندگی آموخته شده در کلاس دوم راهنمایی شهر سنندج در سال تحصیلی ۱۳۷۲-۷۳»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم .

۳۹. هیلگارد، ارنست و دیگران (۱۳۷۵). *زمینه روان شناسی*، جلد دوم. ترجمه محمد تقی، براهنی و همکاران تهران، انتشارات رشد.

۴۰. یوسفی ، علیرضا، قاسمی ، غلامرضا، فیروزنیا، سمانه (۱۳۸۸). «ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان»، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

Archive of SID

ب- انگلیسی

1. Bridges, k. R. (۲۰۰۱).« Using attributional style to predict academic performance : How does it compare to traditional methods? Personality and Individual Differences», ۳۱, ۷۳۰-۷۳۳
2. Chase, M. (۲۰۰۱). «Children's self-efficacy», motivational intention Journal of Research Quarterly for Exercise and Sport, ۷۲(۱), ۵۴-۴۷
3. David A. Cole, Jeffrey A. Ciesla, Danielle H. Dallaire, Farrah M. Jacquez, Ashley Q. Pineda, Beth LaGrange, Alanna E. Truss, Amy S. Folmer, Carlos Tilghman-Osborne, Julia W. Felton (۲۰۰۸) .«Emergence of Attributional Style and Its Relation to Depressive Symptoms» , Journal of Abnormal Psychology, Volume ۱۱۷, Issue ۱, February, Pages ۳۱-۱۶
4. Hirschy, A. J. & Morris, J. R. (۲۰۰۲) .« Individual Differences in attributional style: The relational influence of self-efficacy , self-esteem. And sex role identity » . personality and Individual Differences. ۱۱۹۶-۳۲.۱۱۸۳
5. Stephanie J. Hanrahan, Ester Cerin,(۲۰۰۹).«Gender, level of participation, and type of sport: Differences in achievement goal orientation and attributional style», Journal of Science and Medicine in Sport, Volume ۱۲, Issue ۴, July, Pages ۵۱۲-۵۰۸
6. voels , Z.R., Haeffel, G.J., Joiner, T.E., & Wagner , K.D.(2011). Reducing hopelessness : The interaction of enhancing and depressogenic attributional styles for positive and negative life events among youth psychiatric inpatients. Research and Therapy , 41, 1183- 1198.